

معرفی و نقد کتاب:

سیاست فرهنگی در جهان سوم

Mehran Kamrava. "Cultural Politics In the Third world", London and NewYork: UCL Press, 1999.

کتاب «سیاست فرهنگی در جهان سوم»، تألیف مهراں کامروا استاد ایرانی مقیم آمریکا و رئیس گروه علوم سیاسی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سال ۱۹۹۹ توسط انتشارات UCL به چاپ رسیده است. از دیگر تألیفات نویسنده می‌توان به کتاب‌های «انقلاب در ایران»، «سیاست انقلابی»، «سیاست و جامعه در جهان سوم»، «سیاست و جامعه در جهان در حال توسعه»، «تاریخ سیاسی ایران معاصر»، «خاورمیانه مدرن»، «دموکراسی در توازن: فرهنگ و جامعه در خاورمیانه» و «فهم سیاست تطبیقی: چارچوبی برای تحلیل» به زبان انگلیسی اشاره کرد.

نویسنده با تنظیم کتاب در ۶ فصل و یک نتیجه‌گیری به دنبال تبیین نقش فرهنگ و تأثیر آن بر سیاست در جهان سوم می‌باشد. در واقع موضوع اصلی کتاب معرفی فرهنگ سیاسی - به جای شاخص‌های اقتصادی و سیاسی - به عنوان متغیر مهمی در تمایز کشورهای جهان سوم از دیگر کشورها می‌باشد.

نویسنده در **فصل اول** کتاب (مقدمه) اشاره می‌کند که پس از سال‌ها نادیده گرفتن نقش فرهنگ در سیاست بین‌الملل، نقش این عامل مورد توجه قرار گرفته است. وی پس از برشمردن نام افرادی چون لاری دیاموند، بنجامین باربر، ادوارد سعید و ساموئل هانتینگتن به عنوان اندیشمندانی که نقش فرهنگ را از چشم‌اندازهای گوناگون مورد توجه قرار داده‌اند، اظهار می‌دارد که هدف وی در این کتاب ارائه تفسیر جدید و کاملاً متفاوت از آنچه تاکنون در مورد فرهنگ ارائه شده است، نیست بلکه او تلاش می‌کند تا نقش فرهنگ را از چشم‌انداز سیاسی مناسب در جهان سوم مورد توجه قرار دهد. به عقیده وی در حالی که در نوشته‌های موجود در مورد نقش فرهنگ افراط یا تفریط شده است، او به دنبال ارائه دیدگاه متعادل‌تری از نقش فرهنگ در سیاست بین‌الملل می‌باشد (ص ۲).

نویسنده در **فصل دوم** کتاب تحت عنوان «سیاست فرهنگی در نظم جهانی جدید» به بررسی برخی مفاهیم اصلی کتاب از قبیل فرهنگ، سیاست فرهنگی، فرهنگ جهانی

و فرهنگ داخلی می‌پردازد. کامروا ضمن ارائه برخی معانی ارائه شده برای مفاهیم فوق می‌گوید که هدف وی نه ارائه یک تعریف دقیق از این مفاهیم، بلکه روشن کردن مفهوم خاصی است که خود وی در این متن به کار می‌برد. بر این مبنا او فرهنگ را به دو نوع متمایز جهانی و بومی (داخلی) تقسیم می‌کند که هر کدام خود، به دو بخش مادی یا علمی (که همان ارزش‌ها و هنجارهای ملازم با کالاهای مادی هستند) و هنجاری یا انطباقی (که مبتنی بر سنت‌ها، عادات، الگوهای اجتماعی شدن و دیگر تلاش‌های فردی و جمعی مرتبط با بشر است) تقسیم می‌شوند. به عقیده وی این خرده‌فرهنگ‌ها با یکدیگر در تعامل هستند (صص ۱۲-۸). به گفته نویسنده این دوگانگی در فرهنگ مشکل انطباق دادن فرهنگ داخلی و انطباقی با فرهنگ جهانی و مادی را در جهان سوم ایجاد کرده است. درحالی‌که غرب توانسته است با توسل به قدرت و ثروت خود فرهنگ مادی و انطباقی خود را به عنوان «فرهنگ جهانی» معرفی کند (ص ۱۴). کامروا در تعریف سیاست فرهنگی می‌گوید آن بخش از فرهنگ که به حوزه‌های سیاسی مربوط می‌شود یا به عبارت دیگر تأثیر و نقش فرهنگ در سیاست را سیاست فرهنگی گویند (ص ۱۵). نویسنده پس از تقسیم فرهنگ داخلی به دو شاخه سنتی و غیرسنتی مسأله تغییرپذیری و ماهیت متعارض فرهنگ را مطرح می‌کند. و سپس به بررسی رابطه فرهنگ و سیاست می‌پردازد (ص ۱۸). به عقیده وی رابطه این دو عامل در هم پیچیده و دوجانبه است. در حالی که فرهنگ به سیاست شکل می‌دهد، تنها عامل تعیین کننده آن هم نیست. از این منظر نظریه هانتینگتن مبنی بر این که هر امر سیاسی ضرورتاً به وسیله فرهنگ برانگیخته می‌شود مورد نقد قرار می‌گیرد. به عقیده کامروا میزان و ماهیت تعامل این دو عامل بسته به دستور کار رهبران یک دولت، منابع مشروعیت‌ساز آنها، اعتبار ارزش‌های سنتی و جایگاه اقتصادی و تاریخی کشور متفاوت است (صص ۲۲-۲۳).

در فصل سوم تحت عنوان «مفهوم‌بندی سیاست جهان سوم» نویسنده تلاش می‌کند تا پس از ارائه یک چارچوب مفهومی برای مطالعه سیاست جهان سوم رابطه فرهنگ با حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تأثیر آن بر ساختار را مورد مطالعه قرار دهد. او نقطه عزیمت خود در تحلیل سیاست جهان را پارادایم «دولت - جامعه» قرار می‌دهد و توضیح می‌دهد که منظور او از پارادایم دولت - جامعه، رویکردی است که نقش قدرت دولت و نیروهای اجتماعی و تعامل آنها در جهان سوم را بررسی می‌کند و به مزایا و معایب این رویکرد می‌پردازد (صص ۳۳-۳۰) وی معتقد است برای فهم مناسب سیاست در جهان سوم علاوه بر دولت و جامعه ۴ رکن دیگر نیز باید مورد توجه قرار گیرند که

عبارتنداز: فرهنگ به‌طور کلی و فرهنگ سیاسی به‌طور خاص، اقتصاد سیاسی به‌ویژه اثرات اقتصادی تعامل دولت و جامعه با یکدیگر، تأثیر عوامل بین‌المللی و مسأله عدم قابلیت پیش‌بینی که ناشی از وقایع تصادفی و اهداف قصد شده هستند (ص ۳۲).

نویسنده سپس به بررسی نحوه مطالعه هر یک از عوامل فوق می‌پردازد. به عقیده وی نقش دولت - به عنوان مسئول‌ترین نهاد جامعه - باید از دو منظر مورد توجه قرار گیرد: ۱- به لحاظ نقشی که در رابطه با دیگر دولت‌ها ایفا می‌کند ۲- به لحاظ رابطه‌اش با جامعه که خود اثرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خاص خود را دارد.

در رابطه با جامعه، او جامعه را هدف و مقصد نهایی قدرت دولت می‌داند که از دیدگاه برخی تئوری‌ها مثل مارکسیسم نقش بازیگر را ایفا می‌کند و در مقابل گاهی نیز دریافت‌کننده منفعل قدرت دولت است و از آن تبعیت می‌کند. به عقیده وی در بررسی جهان سوم باید نقش شبکه‌های پیچیده تعامل اجتماعی و شکاف بین تمایلات جامعه و دولت مورد توجه قرار گیرد ضمن آنکه باید توجه داشت هر آنچه که در سطح جامعه اتفاق می‌افتد به حوزه سیاسی مرتبط نیست (صص ۴۰-۳۷).

نویسنده در بحث از فرهنگ سیاسی از آن به عنوان موضوعی که مورد بی‌توجهی قرار گرفته و بیشتر به عنوان نتیجه توسعه سیاسی و نه علت آن مورد مطالعه قرار گرفته است، یاد می‌کند. به عقیده وی تأثیر فرهنگ در مناطق گوناگون جهان متفاوت است با وجود این سیاست هنر ممکنات است و فرهنگ معمولاً در چارچوب قدرت دولت شکل می‌گیرد اما خود نیز به افکار، اعمال، عقاید و تعاملات افرادی که در رأس قدرت هستند شکل می‌دهد. بنابراین همه تحلیل‌های سیاسی کلان باید ضرورتاً به زمینه‌های فرهنگی مسایل، به ویژه فرهنگ سیاسی جامعه، که متشکل از هنجارهای فرهنگی و ارزش‌هایی است که مخصوصاً بر تعاملات دولت و جامعه حاکم است، توجه کنند. علاوه بر این، نویسنده نقش عامل اقتصاد سیاسی را به ویژه از منظر تأثیری که مراکز اقتصادی، شرکت‌های چندملیتی و رژیم‌های اقتصادی بین‌المللی به جای می‌گذارند مورد توجه قرار می‌دهد (صص ۴۲-۴۱). تأثیر عوامل بین‌المللی نیز از بعد مسائلی چون جهانی شدن، میزان تأثیرپذیری دولت‌ها، میزان توانایی دولت‌ها برای به کارگیری قدرت نرم یا سخت در عرصه جهانی و به‌طور کلی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که در عرصه نظام بین‌الملل بر دولت‌ها تحمیل می‌شود مورد توجه نویسنده قرار دارد (صص ۴۴-۴۲). نویسنده در رابطه با نقش عوامل تصادفی نیز معتقد است که انسان به لحاظ ماهیت پیچیده انسانی خود همیشه با درجه‌ای از عدم یکپارچگی و فردگرایی



روبروست که این امر باعث غیرقابل پیش‌بینی شدن بسیاری از فعالیت‌های او می‌شود. از آنجا که سیاست نیز در حوزه فعالیت‌های اجتماعی انسان قرار می‌گیرد اغلب منجر به نتایج غیرقابل پیش‌بینی می‌شود که حتی تحلیل فرهنگی هم نمی‌تواند قوانین دقیقی برای آن ارائه کند. بنابراین بهترین راه ممکن ارائه طیفی از گزینه‌های ممکن و فکر کردن در مورد نتایج بالقوه آنهاست (صص ۵۴-۵۳). در پایان نویسنده به این نتیجه می‌رسد که بررسی سیاست جهان سوم امری پیچیده است.

در فصل چهارم تحت عنوان «سیاست فرهنگی در جهان سوم» کامروا اظهار می‌دارد که با توجه به این که امروزه دیگر تفاوت‌های سیاسی و اقتصادی نمی‌تواند کشورهای جهان سوم را از دیگر کشورها متمایز کند، فرهنگ سیاسی می‌تواند به عنوان ابزار مناسبی برای مفهوم‌بندی سیاست در کشورهای جهان سوم مورد استفاده قرار گیرد. به عقیده وی اگرچه برخی نویسندگان مدعی هستند که مفهوم جهان سوم امروز، دیگر وجود و مصداق خارجی ندارد اما هنوز کشورهایی هستند که به لحاظ فرهنگ سیاسی متمایز از دیگران بوده و می‌توان آنها را در یک طبقه قرار داد (ص ۶۷).

کامروا سپس به تقسیم‌بندی سه‌گانه گابریل آلموند و سیدنی وربا از فرهنگ سیاسی (فرهنگ سیاسی محدود - مشارکتی و تبعی) اشاره می‌کند و اعلام می‌کند که اگرچه این تقسیم‌بندی و مفاهیم مرتبط با آن را از این دو نویسنده اقتباس کرده است اما تز اصلی‌اش با تز آنها متفاوت است. بنا به نظر وی هر یک از انواع سه‌گانه فرهنگ سیاسی بر نوع خاصی از جوامع و دولت‌ها حاکم می‌شوند. او پس از تعریف هر یک از این فرهنگ‌ها به مقایسه فرهنگ سیاسی غربی و غیرغربی پرداخته و مهمترین وجه تمایز این دو را در تداوم‌پذیری و ثبات اولی و تحولات سریع و ناگهانی در دومی می‌داند ضمن آنکه به عقیده وی در جوامع غربی در مورد خطوط اصلی راهنمای سیاست‌های دولت توافقی کلی وجود دارد در حالی که جوامع غیرغربی فاقد این ویژگی هستند. به عقیده نویسنده این تفاوت ناشی از سابقه طولانی‌تر نهادهای اجتماعی و سیاسی و به ویژه دولت - در مفهوم امروزی آن - در غرب است (صص ۷۳-۷۱).

به نظر نویسنده فرهنگ‌های سیاسی مشارکتی و تبعی رایج‌ترین انواع فرهنگ‌های سیاسی در جهان معاصر می‌باشند و در حالی که امکان تبدیل فرهنگ تبعی به فرهنگ مشارکتی وجود دارد، امکان برگشت فرهنگ مشارکتی به فرهنگ تبعی وجود ندارد مگر در صورتی که دموکراسی از نظر اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه سیاسی نهادینه نشده باشد. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که فرهنگ سیاسی نتیجه تعامل بین دولت

و فرهنگ است اما هر تعاملی بین فرهنگ و دولت منجر به فرهنگ سیاسی نمی‌شود. این رابطه به ویژه در جهان سوم بسیار ظریف و چند بعدی است و اغلب تعیین کننده رفتار و ویژگی‌های هم دولت و هم فرهنگ می‌باشد (ص ۹۲).

فصل پنجم تحت عنوان «دولت و دولت فرهنگ» با این نکته آغاز می‌شود که دولت‌ها سعی می‌کنند به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ای که بر آن حکومت می‌کنند شکل دهند. مداخله دولت‌ها در امور فرهنگی براساس ملاحظات سیاسی صورت می‌گیرد. نویسنده شکل‌گیری نهادی تحت عنوان وزارت فرهنگ در هر کشور را گامی در راستای تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی توسط دولت می‌داند و معتقد است این امر به خصوص در کشورهای جهان سوم که اساس مشروعیت دولت اغلب به طور مستقیم به توانایی دولت برای دست‌کاری کردن ارزش‌های فرهنگی وابسته است، اهمیت زیادی دارد.

کامروا در این فصل دولت‌ها را براساس نوع نهادهای تشکیل دهنده آنها و نوع رابطه آنها با جامعه به ۶ دسته تقسیم‌بندی کرده است که سه نوع آنها (دموکراسی‌های با دوام، شبه‌دموکراسی‌ها و دموکراسی‌های نمایندگی) دموکراتیک و سه نوع دیگر (پوپولیستی، اقتدارطلب و دیکتاتوری‌های نظامی) غیردموکراتیک هستند (صص ۹۷-۱۰۰). علاوه بر این برخی از کشورها مثل سوریه زمان حافظ اسد و اغلب کشورهای زیر صحرای آفریقا، تایلند و مالزی را نمی‌توان به‌طور مشخص در یکی از این تقسیم‌بندی‌ها قرار داد (ص ۱۰۰).

نویسنده ضمن آنکه ویژگی‌های هر یک از این دسته کشورها را معرفی می‌کند به بررسی نوع فرهنگ سیاسی رایج در آنها به ویژه نوع رابطه دولت و جامعه می‌پردازد به عقیده وی در کشورهایی که از بالاترین درجه دموکراسی برخوردارند علی‌رغم این که دولت ابتدا در امر ایجاد فرهنگ دموکراسی و ارزش‌های مربوط به آن نقش فعالی دارد اما به مرور زمان با کاهش نقش دولت و افزایش نقش نهادهای اجتماعی و سیاسی مستقل در درون جامعه این نقش کاهش می‌یابد. به طوری که دولت تنها از طریق دیپلماسی و اقتصاد تلاش می‌کند تا ارزش‌های دموکراتیک را با ارزش جلوه دهد. در واقع دولت از مداخله‌گری در امر فرهنگ خودداری کرده و تنها دست به تقویت ارزش‌هایی می‌زند که دموکراسی لیبرال را تقویت می‌کند (صص ۱۰۳-۱۰۱). در مقابل، در غیردموکراسی‌ها به موازات کاهش سطح و میزان دموکراسی، به علت نیاز دولت به حمایت مردمی، تلاش برای مداخله‌گرایی در فرهنگ توسط دولت افزایش می‌یابد که البته میزان این مداخله و تأثیرگذاری آن در نظام‌های گوناگون متفاوت است. در هر حال نویسنده در پایان فصل به این نتیجه می‌رسد که هر دولت موضع متفاوتی نسبت به



فرهنگ مردم اتخاذ می‌کند و هر جامعه نیز موضع متفاوتی نسبت به دولت در پیش می‌گیرد. فرهنگ پدیده‌ای غیرمستقل و تابع شرایط است تعامل فرهنگ و دولت امری شناخته شده است اما ماهیت دقیق این تعامل نامشخص و تابع عوامل مختلف تاریخی، اقتصادی، بین‌المللی و... می‌باشد.

در فصل ششم تحت عنوان «فرهنگ و دموکراتیزه کردن» نویسنده برای بررسی رابطه دولت و فرهنگ در زمینه توسعه سیاسی، بر دموکراسی‌سازی متمرکز می‌شود. چرا که به عقیده وی دموکراسی‌سازی پدیده‌ای آکادمیک و مورد توجه کشورهای جهان سوم است که می‌توان در آن مداخله نیروهای فرهنگی و تعامل آن با دولت را به نمایش گذاشت. در ابتدا نویسنده با برشمردن دو بعد ساختاری و فرهنگی دموکراتیزه کردن به بررسی هر یک از این ابعاد می‌پردازد و سپس انواع روندهای دموکراسی‌سازی - دموکراسی‌سازی از بالا (توسط دولت) و از پایین (توسط نیروهای اجتماعی) را توضیح می‌دهد. به نظر وی نوع دوم دموکراسی‌سازی منجر به شکل‌گیری دموکراسی‌های با دوام می‌شود که تعدادشان بسیار محدود است. پس از آن نویسنده به بررسی دو مفهوم «جامعه مدنی» و «سازمان‌های جامعه مدنی» می‌پردازد و تفاوت‌های آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنا به تعریف وی جامعه مدنی قبل و یا در طی فرایند دموکراسی‌سازی بوجود می‌آید و ممکن است پس از پایان یافتن آن از بین برود در حالی که سازمان‌های جامعه مدنی اشکال دائمی یا شبه‌دائمی و در واقع بخشی از جامعه مدنی هستند. به عقیده وی علی‌رغم وجود تفاوت‌های فراوان بین نهادهای جامعه مدنی، همه آنها از نظر اعمال فشار بر دولت برای ایجاد دموکراسی شباهت دارند. این نهادها از نظر شکل‌گیری اجتماعی ولی از نظر هدف سیاسی هستند.

نویسنده در این فصل از روشنفکران، بازیگران دولتی، نهادهای دولتی، نهادهای اجتماعی به عنوان بازیگران فرایند دموکراسی‌سازی یاد می‌کند و معتقد است که در تحلیل‌های صورت گرفته در مورد جهان سوم نقش جامعه مدنی نسبت به مسایل سیاسی و اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

کامروا در جمع‌بندی مطالب فصل‌های مختلف می‌گوید که انسان موجودی اجتماعی و سیاست نیز فعالیتی اجتماعی است که تحت تأثیر نیروهای فرهنگی قرار دارد. در عین حال فرهنگ خود تحت تأثیر منابع داخلی و بین‌المللی قدرت قرار دارد. به عقیده او، اگرچه فرهنگ به خودی خود پویا و اثرگذار است و دولت‌ها نمی‌توانند ماهیت تغییرپذیر آن را به طور کلی محدود کنند اما، می‌توانند جهت کلی این تغییرات

را تحت تأثیر قرار دهند. و از ابزارهای گوناگون برای این هدف استفاده کنند. به دلایل گوناگون سیاسی، تاریخی و اقتصادی اغلب دولت‌های جهان سوم بر منابع مشروعیت که نسبتاً شکننده هستند تکیه دارند و در این راستا به فرهنگ به عنوان منبع اولیه مشروعیت و حمایت مردمی می‌نگرند. به همین دلیل سیاست کشورهای جهان سوم را نمی‌توان بدون توجه به نیروهای فرهنگی بررسی کرد. با وجود این نقش و تأثیر سیاست و فرهنگ در این کشورها دوجانبه بوده و آنها را باید در ارتباط با یکدیگر مطالعه کرد. چرا که هیچ یک از این دو عامل آن قدر قوی و مستقل نیستند که دیگری را تحت تأثیر قرار دهند و هیچ یک نیز آن قدر ضعیف نیستند که تحت سلطه دیگری قرار گیرند. بنابراین آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد سیاست فرهنگی خواهد بود.

تکاتی در نقد کتاب

۱- یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب «سیاست فرهنگی در جهان سوم» استفاده از رویکردی ترکیبی است که نظریه‌های مختلف در مورد جامعه و فرهنگ سیاسی را به نحوی ماهرانه در کنار یکدیگر مورد استفاده قرار داده است. نویسنده از یک سو «جغرافیای فرهنگی» مورد استفاده هانتینگتن را مورد استفاده قرار داده و از سوی دیگر در جای جای کتاب نظریه برخورد تمدن‌های وی را به نقد کشیده است. استفاده از نظریه‌های افرادی چون سیدنی وربا، آلموند و وبر در طبقه‌بندی جوامع و فرهنگ‌های سیاسی گوناگون نیز، از بخش‌های مهم و قابل توجه این کتاب می‌باشد که در کنار نظریه‌های «قدرت نرم» جوزف نای و «جامعه مدنی» گرامشی (که البته به‌طور غیرمستقیم به کار رفته است) بر غنای علمی کتاب افزوده است و باعث جذابیت هر چه بیشتر آن شده است. اما از طرف دیگر استفاده گسترده نویسنده از نظریه‌های مختلف این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که با توجه به انبوه مطالب گفته شده در رابطه با فرهنگ سیاسی، بحث نویسنده کتاب در چه جایگاهی قرار می‌گیرد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت علی‌رغم ادعای نویسنده در فصل پنجم کتاب درخصوص ارائه تزی متفاوت از تز نویسندگان فوق، وی نکته جدید و قابل توجهی به بحث‌های پیشین نیفزوده است. در واقع این گفته نویسنده که هر یک از فرهنگ‌های سیاسی خاص نظام‌های سیاسی معینی می‌باشد، تکرار نظریه وربا و آلموند می‌باشد. به نظر می‌رسد که نویسنده تنها با ارائه مثال‌ها و نمونه‌های گوناگون توانسته است زمینه را برای درک هر چه بهتر تقسیم‌بندی مزبور فراهم نماید.

۲- نویسنده با یادآوری فرضیه و هدف اصلی کتاب در برخی موارد به خواننده



کمک می‌کند تا از خط سیر اصلی کتاب دور نشود، ولی تکرار بیش از حد این نکته، در کنار توضیحات غیرضروری ارائه شده، باعث ملال‌آور شدن متن شده است. در حالی که به نظر می‌رسد در برخی موارد استفاده از ایجاز و پرهیز از ذکر همه توضیحات و استنتاجات ممکن، از یک سو ذهن نویسنده را به فعالیت واداشته و از سوی دیگر باعث جذابیت بیشتر متن شود. در این خصوص می‌توان به جمله مندرج در صفحه ۸۵ کتاب به‌عنوان الگویی برای این روش اشاره کرد: «بنابراین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اسلام برای خاورمیانه همان چیزی بود که سیاه‌پوستی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ برای آفریقا بود».

۳- نکته دیگر در نقد این کتاب، اتخاذ بینشی ناقص و قوم‌محورانه نسبت به دموکراسی و مشارکت و نقش آنها در فرهنگ سیاسی جوامع می‌باشد. به نظر می‌رسد نویسنده با مدنظر قرار دادن دموکراسی و مشارکت به عنوان تجلی فرهنگ سیاسی کامل برخی از ملاحظات مربوط به آنها را مورد توجه قرار نداده است. این نکته به‌ویژه درخصوص مسأله مشارکت بیشتر مشهود می‌باشد. چرا که نویسنده با تأکید بر مشارکت کامل و آزادانه افراد در جوامع سیاسی، تفاوت بین مشارکت توده‌ای و غیرتوده‌ای را نادیده گرفته است.

درخصوص دموکراسی نیز، کامروا با نادیده گرفتن نقش مکانیسم‌های کنترلی برای دست‌کاری آراء و اذهان عامه مردم، این نوع حکومت را مظهر مشارکت کامل و آزادانه دانسته است. در حالی که کنترل هژمونیک سازمان‌های تبلیغاتی در فرایند انتخابات و همچنین نقش آنها در همراه کردن اذهان عمومی با دستور کارهای دولت - به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر - بسیار قابل توجه و دقت می‌باشد (۲).

۴- در پایان می‌توان با تأکید مجدد بر دیدگاه قوم‌محورانه نویسنده، این کتاب را از منظری دیگر مورد انتقاد قرار داد. در واقع نویسنده با اتخاذ چنین دیدگاهی نسبت به فرایندهای تاریخی شکل‌دهنده به دولت مدرن در جهان سوم، از نقش اقدامات استعماری و نواستعماری دولت‌های غربی نسبت به دولت‌های غیرغربی چشم‌پوشی کرده و با برتری دادن به جوامع غربی، کشورهای جهان سوم را به دلیل آنکه در گذشته بر افتخارات سابق‌شان تکیه کرده و همگام با غرب پیشرفت نکرده‌اند مورد سرزنش قرار می‌دهد.

طیبه واعظی

منابع :

- 1- Olson, Debbie. At: www.Amazon.com/cultura/-politics-Garland-Reference-Library/185728647, 9/11/2006 [1385/10/23].